

چکیده:

شاخصهای اقتصاد مطلوب از دیدگاه قرآن کریم

نظام اسلامی برای رسیدن به یک نقطه روشن و موفق در ابعاد مختلف جامعه باید حرکت تدریجی و بنیادی خود را بر اساس موازین اسلامی تدارک ببیند تا با موفقیت به آرمانها و اهداف بلند خود برسد، زیرا نظام اسلامی سرو کارش با نسلهاست.

نظام اسلامی علاوه بر هدایت جامعه و وظیفه اش تکامل الهی جامعه است و در این مسیر طولانی مشکلات در کمین نظام اسلامی است ولی نا گفته نماند که موفقیت هر جامعه بستگی به شیوه مدیریت صحیح و زیرکی مدیران آن جامعه دارد.

قرآن، چراغ راه هدایت انسانهاست. قرآن موفقیت هر جامعه پیرو احکام الهی را تضمین می کند. قرآن، نور است و جاودان، پس انگیزه های مغرضانه را می شناسد و به انسانها معرفی می کند. قرآن قانون بند است و بی قانونی را گناه کبیره می داند. قرآن ارزشهای اسلامی را به نمایش در می آورد و نیازها را می شناسد و بر اساس عدالت مردم را از اسراف و تبذیر دور می سازد. قرآن تفکر جدائی دین از سیاست را از ذهنها پاک می کند و در سیاست خارجی و در معادلات با غرب و کفار سنجیده عمل کردن را گوشزد می کند. قرآن زوال تمدن بشری را در گرایش به تقلید کورکورانه از غرب می داند. قرآن مستکبران را دوست ندارد چون آنان تیشه به ریشه می زنند. قرآن آسیب شناس و ویروس شناس است و راه علاج معضلات را به تمام اقشار جامعه می آموزد. قرآن مفسدان اقتصادی و اخلاقی را بخوبی می شناسد و راههای مبارزه با آنان را تعلیم می دهد. حرف اول و آخر قرآن جهاد در راه خداست و ایکاش با همت و پشتکار و تلاش خود می توانستیم معنی قرآنی جهاد اکبر را به تصویر بکشیم تا معنای عدالت در قرآن برای تمام سطوح و اقشار جامعه پیاده گردد.

کلید واژه گان: فساد، دشمن شناسی، عدل شناسی، اکل مال بالباطل، مدیریت

مقدمه:

واژه اقتصاد از ماده "ق-ص-د" تصمیم‌گیری و اراده به انجام کاری است. آنجا که قصد و اراده در ضمیر انسانی حرکت فرد را شکل می‌دهد، عدل، سایه سار واژه قصد، میانه روی (بدون افراط و تفریط) و استقامت و پایداری را در مسیر سازندگی گوشزد می‌کند. چرا واژه گوشزد را بکار می‌گیریم؟ زیرا انسانها تلاش را می‌شناسند و با واژه قصد بیگانه نیستند. ولی در این بین آنچه که با آن نا‌مأنوس هستند "عدالت" است. آنجا که واژه "جهد" در مسیر تلاش و سازندگی شیوه خاص خود را ارائه می‌دهد آیا می‌تواند معنا دهنده واژه جهاد باشد؟ آیا می‌توان واژه جهاد و اقتصاد را در کنار یکدیگر قرار داد و به تلاشی مقدس رسید؟ آیا می‌توان فرمول مقدس جهاد اقتصادی را در عرصه خدمات گوناگون، صنعتی، کشاورزی، فرهنگی، هنری و علمی پیاده کرد؟

در این مقاله سعی شده است که جهاد اقتصادی تا حدودی با مفهوم و منطوق قرآنی در ابعاد گوناگون بررسی شود تا شاید حرکت عظیمی بسوی سازندگی باشد، البته با نقش پایداری و استقامت در تعهدات دینی تا بدین وسیله بتوان آسیب شناسی کرد.

نظام اسلامی برای رسیدن به اهداف روشن خود در ابعاد گوناگون به یک حرکت تدریجی در جهت سالم سازی شیوه حکومتی خود نیاز دارد تا با موفقیت به آرمانهای بلند خود دست یابد. نظام اسلامی قانون مند است و اگر عدالت را در قوانین اسلامی تعریف می کند در مرحله اجرا باید آسیب شناسی را نیز مد نظر داشته باشد، تا عدالت بر مبنای اخلاق اسلامی شکل بگیرد و دغدغه ها محل اعراب نداشته باشد، تا اقتصاد سالم بر مبنای " حکم به العقل حکم به الشرع و یا حکم به الشرع حکم به العقل " بتواند جهاد اقتصادی را تعریف کند.

عقل در بر پایی عدالت مشوق انسان است و اگر این مشوق عملکرد مثبتی نداشته باشد عدالت رنگ واقعی خود را نشان نمی دهد و بی عدالتی حاصل جهل انسان می شود. جهل و پیروی است که اگر در وجود انسان رشد یابد خسارت جبران ناپذیری ایجاد می کند. ﴿و اذا جاءك الذین یؤمنون بایا تنافق سلام علیکم کتب ربکم علی نفسه الرّحمة انه من عمل منکم سوءا بجهالة ثم تاب من بعده و اصلح فانه غفور رحیم﴾ (۵۴-۶)

زمانیکه مؤمنین به آیات ما نزدیک شدند و مفهوم آیات را درست و بجا در عمل پیاده کردند ما بر آنان درود می فرستیم ولی اگر از روی جهالت عمل زشتی را انجام دادند و سپس توبه کردند و از زشتی عمل خود را دور ساختند و عقل را به جای جهل بکار گرفتند باید بدانند که خداوند آمرزنده است.

واژگان ظلمت و نور ، کوری و بینایی، فقر و ثروت ، مرگ و حیات ، متضاد یکدیگرند که حسن و قبح عقلی مرز تشخیص این واژه هاست. تضاد این واژگان محلّ آزمون الهی است و باید برای رسیدن به کمال انسانی عقل را که حجت الهی است شاخص قرارداد و از افراط و تفریط جلوگیری کرد تا عدالت که رنگ خدایی است جامه عمل بپوشاند. اگر هدف شناسایی حسن و قبح عقلی باشد مطمئناً انسان بسوی جهاد اقتصادی با موفقیت حرکت می کند. به تشخیص عقل عملی حسن عدل و قبح ظلم مشخص می گردد. عقل حجت شرعی دارد و حکم عقل عادلانه است و آنجا که عقل حکم دهد محال است که شرع نهی از عدالت کند.

رسول باطنی عقول انسانهاست که راهنمای بشریت بسوی شریعت است، و شریعت برگرفته از حاکمیت خدا و قانون خدا بر جهان است، و آنچه که خداوند دوست دارد اقامه عدل و قسط است.

خداوند می تواند تمام جهان را بدور از فساد و ظلم، بصورت یکنواخت نگه دارد بگونه ای که بشر سرگردان نباشد و هرچیز و هر کس در مسیر عدالت باشد ولی حکمت الهی اقتضاء می کند که خیر و شر در عرض و طول بندگی بشر حرکت کند تا حق جویان و کمال خواهان راستین راه درست را بیابند .

تَمَّتْ کَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَا مَبْدَلَ لکَلِمَاتِهِ (۶-۱۱۵) آفرینش خداوند تعالی و کلام زیبایی او بدون نقص و بدون هر شک و شبهه است. اگر به آیه مورد نظر توجه داشته باشیم متوجه می شویم که خداوند تعالی عدل را بعد از صدق عنوان می کند که صدق راهی است بسوی رستگاری بشر و دور ماندن او از خیانتها و ظلمها و چپاولگری ها و انسان در این صفت باطنی و ظاهری تبلوری از نور خداوندی و امامت و ولایت است که حجب های زمانه حاکم بر انسان را دور می سازد تا عدالت در مفهوم واقعی خود پرتو افشانی کند زیرا بعد از راستگویی و بابرپایی عدالت دیگر جای نگرانی نیست و باید مطمئن بود که کلمات الهی که بیان کننده حق و حقیقت است جا بجا خواهد شد و انسان با اصلاح نفس خود می تواند خود را آماده پذیرش دستورهای الهی نماید.

انسان می تواند حق را بشناسد و از باطل دوری کند و برای یافتن ارزشها تلاش کند همانگونه که نبی اکرم (ص) تحمل بار سنگین و مسئولیتی عظیم را در نظام جاهلیت آن روز را بعهده گرفتند تا آن جامعه جاهل را به سوی نظام صحیح و حق گو و حق طلب هدایت فرمایند. آئین حق طلبی تا قیامت پابرجاست. آئین حق طلبی در روز عید غدیر در میان جمع کثیری از مردم در حجةالوداع با معرفی وصی پیامبر (ع) توسط پیامبر عظیم الشان (ص) معرفی شد و رأی بالایی را آورد ولی غاصبان ولایت تحمل از دست دادن منافع خود را نداشتند و با توطئه و مکر و حيله و دروغگویی و بی عدالتی جایگاه ولی خدا را غصب کردند. الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی.....(۵-۳)

فساد

هنگامی که پروردگار به فرشتگان فرمود: من در روی زمین جانشینی قرار می دهم . آنان گفتند: آیا در آنجا کسی را که فساد و خونریزی می کند قرار می دهی حال آنکه ما تو را حمد و ستایش می گوئیم.(۲-۳۰)

فساد بشر؛ فساد اخلاقی؛ فساد اقتصادی؛ فساد سیاسی همه و همه ناشی از بی تدبیری بشر و مهم تر از آن ناشی از خود کامگی و کسب منافع شخصی است. فرشتگان بخوبی از حال و احوال جانشین و خلیفه بودن انسان در روی زمین آگاه بودند که اعتراض کردند مسلماً این به آن معنی است که زمین جایگاه انسان خاکی است که خیر و شر را در زندگی اجتماعی خود هموار می سازد.

البته حکما و فلاسفه و متکلمان در این اندیشه که شرور و مفسد در عالم طبیعت خواه ناخواه از لوازم وجود عالم طبیعت و تزاحمات مادی است و بر این اساس شرور و مفسد ی چون جنگ، فقر، بیماری، سیل، زلزله، در طبیعت همواره وجود دارد و همین عوامل، خونریزی را در جوامع بشری بدلیل تقاضاهای مردم سبب می شود. ولی نباید از اراده تکوینی خداوند دور ماند که اراده خدا آزمایش بندگان در گرفتاریها و سختی هاست و همین اراده خدا و اختیار بشر است که زمینه تکامل را فراهم می آورد، پس جهاد در مراحل مختلف با عناوین متفاوت می تواند وجود داشته باشد تا از شرارت های اقتصادی و سیاسی جلوگیری کند و اراده تکوینی خداوند را در امر ارشادی بشر تبدیل به هدایت کرده و سعادت دنیا و آخرت را در پرتو اندیشه صحیح و عمل صالح شکل دهد و نظام هستی را بر محوریت عدل قرار دهد.

ای انسانها هوشیار باشید، نترسید، فتنه ها را در شاخه های گوناگونش قطع کنید و راه حق را در پیش بگیرید ولی نگران نباشید هیچ کس به شما و اهداف بلند شما نمی تواند صدمه بزند. توطئه ها زود گذر است و دوام ندارد. شما به خاطر زیانهای اقتصادی و مالی و حیثیتی بر گرفته از افراد نادان و کافر از خط الهی خارج نشوید و بدانید که خلیفه بودن روی زمین اعتبار کمی نیست فقط قدرت تشخیص می خواهد که انسان بداند و بفهمد که عدل و انصاف و احسان حرف اول را در مسیر الهی می زند و جزء عبادت است و پیروزی از آن شماست.

لن یضروکم الا اذی وان یقاتلوکم یولوکم الابدان ثم لاینصرون (۳-۱۱۱)

حسد ریشه تمام زیانهای بشری است. حسد کینه و عداوت ایجاد می کند. حسد باعث می شود نفس اماره بسوی شرور و بی عدالتی و تجاوز به حقوق دیگران حرکت کند پس بدانید اگر ایمان دارید. اگر شیعه هستید. اگر راه علی (ع) و فرزندان او را تنها راه پیروزی بر خصم می دانید پس نباید کینه ها و عداوتها و تصفیه حسابهای شخصی مانع اجرای عدالت شما گردد که این برای شما سرخوردگی اندیشه و ورود در فساد اجتماعی و سیاسی است و برای دیگران بی عدالتی و ظلم و تجاوز به حقوق دیگران و ایجاد ناامنی در جامعه است.

يا ايها الذين امنوا كونوا قوامين لله شهداء بالقسط (٥-٨)

عدالت قيام بر احكام الهی است . عدالت شكست ناپذیر است ولی این انسان ضعیف شرایط بر پایی آن را نمی داند پس بیراهه می رود و می اندیشد که درست عمل کرده است. آنجا که منافع شخصی مطرح باشد فساد است نه عدالت پس شكست برای بشر حتمی است.

ای اهل ایمان ، ای اهل تقوی ، واجبات را بشناسید و محرمات را دوری کنید و اگر شاهد و گواه بر عمل خود یا دیگران هستید عدل و قسط را فراموش نکنید و هرگز دشمنی با دیگران شما را در مسیر بی عدالتی و انتقام وارد نکند. و خدا را فراموش نکنید و خدا را بر اعمال خود شاهد بگیرید و مسیر خود را آگاهانه و با بصیرت طی نمایید.

اوفوا بعهدالله اذا عاهدتم و لا تنقضوا الايمان بعد توكيدها و قد جعلتم الله عليكم كفيلاً (١٦-٩١)
با خدا پیمان ببندید . شهادت به وحدانیت خدا بدهید و رسالت رسول را قبول داشته باشید و وصی پیغمبر (ص) را ولی خدا بدانید و به ولایت او شهادت دهید و بعد از این اشارات و باورها چگونه است که عهد خود را فراموش می کنید! و سوگندهای خود را در مسیر الهی بعد از محکم شدن می شکافید. شخص قسم خورده در نزد خدا مسئول است چون صحت مطلب خود را منوط و مربوط به کرامت و عزت خدا نموده است و خدا را کفیل از طرف خود کرده است پس نباید نقص عهد کند که مبعوض خدا است.

وقتی انسان خدا را نادیده بگیرد زمین جولانگاه حرکت ناشایست او می گردد و تجاوز به حقوق دیگران امری عادی و سوء استفاده مالی و غیره جزء اهداف او قرار می گیرد و شکاف عمیق میان اهل کار در اجتماع پدید می آید و نیرو های سازنده به هدر می روند و شكست اقتصادی جامعه را بسوی نابودی و هلاکت می کشاند.

دشمن شناسی

ای اهل ایمان با خدا و رسولش دشمنی و مخالفت نکنید که نابودی فردی و اجتماعی در آن است.
ألم يعلموا أنه من يحادد الله و رسوله فإنّ له نار جهنم خالداً فيها ذلك الخزي العظيم (۹-۶۳)
جهاد اقتصادی زمینه ساز سعادت بشری است ، اگر حرکت سازنده آن بر طبق موازین اسلامی باشد و هر کس آبخور خود را بشناسد و فساد اخلاقی نداشته باشد.

محاربه با خدا و رسولش و بی اعتنائی به احکام الهی زمینه ساز تهدیدها و ایجاد فتنه و آغاز دشمنی هاست که جهت مطلوب فعالیتهای اقتصادی را محو می کند . مؤمنین باید عقاید امامیه را سر لوحه اندیشه و فعالیتهای خود قرار دهند تا از فعالیتهای دشمن غافل نباشند که این آگاهی در دشمن شناسی بسیار مطلوب است. انسان در پرتو شناخت ثقلین (ثقل اکبر و ثقل اصغر= کتاب الله و عترت) می تواند کفار و مشرکین و منافقین را از هم تمیز دهد و با ترفندهای ظالمانه آنان ، پنهانی و آشکارا مبارزه کند. هدف دشمنان اسلام مبارزه با جهاد سازنده مسلمانان است تا استکبار بتواند باهدف استثمار فعالیتهای مخرب خود را ادامه دهد. بیش از هزار و پانصد آیه در قرآن در مورد جایگاه دشمن شناسی است ، باید بدانیم تا بشناسیم تا در عملکرد خود دچار بحران و نقص در کار نشویم.

انسان زمانیکه در ارگان و یا نهاد دولتی و غیر دولتی مسئولیتی را بعهده می گیرد باید موازین اسلامی را در اداره امور فراموش نکند . او باید بدون در نظر گرفتن نیازهای مادی خود و تمایلات شخصی در مسیر الهی با هدف خشنودی مردم و آسایش مردم و مصرف بجا با استفاده از الگوی صحیح از آبخور خود خارج نگردد و امنیت اجتماعی و سیاسی جامعه را بخطر نیندازد که در غیر اینصورت زمینه فعالیتهای دشمن را فراهم می سازد. دشمن در کمین نشسته است، پس از خطرات احتمالی باید جلوگیری کرد و راههای آسیب اجتماعی و تهاجم فرهنگی را در ابعاد گوناگون مسدود کرد. خداوند در قرآن می فرماید :اضرب بعصاک الحجر فانفجرت منه اثنتا عشرة عیناً قد علم کلّ أناسٍ مشربهم کلوا و اشربوا من رزق الله و لا تعثوا فی الارض مفسدین(۲-۶۰) زمانیکه به موسی گفتیم ، با عصایت به این سنگ بزن آنگاه دوازده چشمه از آن جوشید و هر قبیله و گروهی آبگیر خود را می شناخت و سفارش خداوند به بندگان این است که در روی زمین فساد نکنید.

طغیان انسان از این آبخور به آبخور دیگر جز هلاکت و شکست چیز دیگری نیست. حرکت انسان در مسیر سازندگی و با اهداف بلند اراده و استقامت در کار را ضروری می‌داند و نمی‌تواند پذیرای تمایلات نفسانی و خواهشهای مادی باشد. ای انسان زندگی مادی تو را مغرور و خودخواه بار نیورد که بر اساس آن دین را بازیچه قرار دهی و رشوه گرفتن و قبول هبه را امری عادی در انجام عمل سوء بدانی و مشارکت در امری کنی که نباید آنرا انجام دهی. رشوه گرفتن نابود کننده اعمال است و آتشی است که خودت به دست خودت فراهم می‌کنی و تا قیامت باید هیزمش را هزینه کنی و رهایی از آن محال است و کلام رهبر در جهاد اقتصادی مبارزه با این معضلات رایج کشوری در شیوه های اجرائی است.

خداوند در قرآن می‌فرماید: آنان که دنبال لهو و لعب هستند و دنیا مغرورشان ساخته پند دهید تا مبادا کسی به سبب کاری که کرده به عذاب الهی گرفتار شود.....

و ذالذین اتّخذوا دینهم لعباً و لهواً و غرتهم الحیوة الدنیا و ذکّر به ان تبسل نفسٌ بما کسبت لیس لها من دون الله ولیّ و لا شفیعٌ و ان تعدل کلّ عدلٍ لا یؤخذ منها اولئک الذین اُبلوا بما کسبوا لهم شرابٌ من حمیم و عذابٌ الیمّ بما کانوا یکفرون (۶-۷۰)

عدل شناسی

انّ الله يامر بالعدل و الاحسان (۱۶-۹۰)

آنجا که سخن از عدل است جای منکرات و کارهای ناپسند و زشت نیست.
آنجا که سخن از عدل است رشوه جایگاهی ندارد. آنجا که سخن از عدل است ربا دزدی و غارتگری است.
آنجا که سخن از عدل است خطا و فراموشی جایگاهی ندارد.
آنجا که سخن از عدل است دین بازیچه نیست و زندگی دنیا انسان را مغرور به خطاهایش نمی کند.
آنجا که سخن از عدل است حق گوئی و حق طلبی مهره اصلی زندگی بشر است.
آنجا که سخن از عدل است جای اسیر شدن در بندهای شیطان و فرقه های ضالّه نیست.
آنجا که سخن از عدل است کسب و درآمد حلال، نسلهای پاک و مطّهر را از خود بر جای می گذارد.
آنجا که سخن از عدل است مدیریت مهارت می خواهد و صرف جوئی در مصرف حرف اول را میزند.
آنجا که سخن از عدل است شکست ناپذیری شیوه انسانیهای حق طلب است که همچون سنگر های محکمی در برابر دشمنان و شیاطین و دزدان بیت المال از حیثیت مسلمین دفاع می کنند.

شما در جنگ بدر بر دشمنان خطرناک پیروز شدید در حالیکه شما ناتوان بودید پس تقوی پیشه کنید و در برابر دشمن مخالفت فرمان پیامبر را نکنید تا شکر خدا را انجام دهید.

و لقد نصرکم الله ببدر و انتم ادّلة فاتقوا الله لعلکم تشکرون. (۳-۱۲۳)

خدا را سپاس که رهبران عزیز انقلاب اسلامی را از عالمان و مدبّران و حق جویان و مبتکران راه حق قرار داد تا بصیرت در نهاد ملّت بارور شود و سره از ناسره تشخیص داده شود. و این آیه کاملاً مصداقی است از انقلاب اسلامی و پیروزی امام خمینی(ره) در برابر دشمنان در حالیکه ملّت ناتوان بودند پس پاسدار انقلاب باشید و بدانید که در برابر دشمن مخالفت رهبری ناسپاسی از خداوند است.

لئن شکرتم لازیدنکم و لئن کفرتم انّ عذابی لشدید (۴-۷)

أكل مال بالباطل

از دیگر مفاسد اجتماعی که مانع برقراری اقتصاد نوین می گردد اکل مال بالباطل است که عذاب دردناک از طرف خداوند برای کافران است.

بر اساس اصل "النَّاسُ مَسْلُوبُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ" افراد در جامعه اسلامی آزادند تا از مالی که بطور مشروع بدست آورده اند بهره داشته باشند و آنرا به دلخواه مصرف کنند. ولی بعضی مردم از اعتماد دیگران سوء استفاده می کنند و از طریق ربا خواری اموال آنان را به باطل می خورند. رباخوار بیماری است که در دام شیطان اسیر است و از راه حقّ بازمانده است.

..... لِيَاكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ (۹-۳۴)

اقتصاد اسلامی در راستای رسیدن به اهداف میانی چون اقتدار اقتصادی، ایجاد رفاه عمومی و فقر زدائی و ایجاد امنیت هیچ گاه از چارچوب ارزشهای شرعی و معنوی و اخلاقی خارج نمی شود زیرا اقتصاد صحیح در چهارچوب قوانین شرعی و اخلاقی فضل خدا را می جوید.

..... لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ... (۳۵-۱۲)

بعضی می گویند بیع مثل رباست در حالیکه خداوند بیع را "أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ" حلال کرد و ربا را حرام کرد. "حَرَّمَ الرَّبَّوَا" (۲-۲۷۵)

خداوند ربا را کاهش و صدقات را افزون کرد. يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ (۲-۲۷۶) ربا خواران در آتش مخلد هستند. فَاُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲-۲۷۵)

رباخواران مفهوم عدل را در بی عدلی می دانند و یا کار خود را موجه نشان می دهند. خداوند در قرآن می فرماید: ای کسانی که ایمان آورده اید تقوی الهی را پیش بگیرید و ربا را رها کنید و اگر این کار را نکردید پس به جنگی از جانب خدا و رسولش آگاه باشید (رباخواری در حکم جنگ با خداست) و اگر درست عمل کنید سرمایه از آن شماست و نه ستم می کنید و نه ستم می بینید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ (۲-۲۷۸) فَاِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَاذْنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَان تَبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلُمُونَ وَ لَا تَظْلَمُونَ (۲-۲۷۹)

ایکاش عملکرد صحیح مطابق معیارهای اسلامی هدف زندگی بشر بود و انسانها از چپاول و غارت خود و دیگران در امان بودند و ایکاش از طریق فهم جهاد اکبر، مبارزه با هوی و هوسهای سرکش میسر می شد و انسان برای تلاشهای خود و دیگران ارزش قائل میشد.

ایکاش انسان می فهمید که آنچه خداوند در اختیارش گذاشته بسیار با ارزشتر از آن چیزی است که دیگران به او پیشنهاد می کنند پس با این دید در جهت کسب مهارت‌های گوناگون و پیشرفت در امور اقتصاد و برپائی اقتصاد نوین و سازنده حرکت مفیدی را باید آغاز کند تا شکر الهی و قدردانی از خداوند شیوه او گردد.

اگر باور ندارید، آیات نجوم مثال خوبی است که هزار و چهار صد سال پیش خداوند آسمانها و کرات و ستارگان را بما معرفی کرد و علم را بما یادآوری کرد ولی دشمنان از این علم بهره ها بردند و اختراعات کردند و ادامه این شیوه به آنان جرأت داد که با هدف استثمار، ملت‌ها را استعمار کنند. اگر امروز قرآن را می سوزانند برای این است که بخوبی می دانند که اسلام دین قوی است و دشمن شناسی در قرآن را خطر بزرگی برای خود می دانند. پس با قرآن باشید تا حق را از باطل تشخیص دهید و تزکیه نفس شیوه شما گردد. اسباب هر چیز در قرآن است و خداوند اسباب هر چیز را در اختیار بشر گذاشت. انا مکنا فی الارض و اتیناه من کل شی سبباً (۱۸-۸۴) فاتبع سبباً (۱۸-۸۵)

پس جای هیچ گونه ضعف و سستی در شیوه زندگی و بهره برداری از آن نیست. مگر در جنگ احد برخی از کافران در لباس خیر خواهی به مسلمانان القاء نمی کردند که جنگ با کفار قریش به صلاح آنها نیست و در آینده نباید دیگر حاضر به جهاد شوند و خداوند به مؤمنان هشدار می دهد که اگر تحت تأثیر سخنان کافران قرار گیرند عقب گرد خواهند کرد و به دامن کفر و شرک باز خواهند گشت. (ج ۴- ص ۴۴-المیزان)

کسانی که اطاعت خدا و رسول گرامی را می کنند در اعمالشان نباید کم بگذارند. ان تطیعوا الله ورسوله لا یلتکم من اعمالکم شیئاً (۴۹-۱۴)

اعمال بد در آن روز برای آنها آشکار می شود و آنچه را استهزاء می کردند بر آنها واقع می گردد. و بدا لهم سینات ما کسبوا و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون (۳۹-۴۸) اقتصاد نادرست و سود جوئیهای ناشی از معاملات کلان غیر شرعی از اعمال شیطان است و بشر در دنیا و آخرت بزودی نتایج آنرا خواهد دید.

و تری کثیراً منهم یسارعون فی الاثم و العدوان و اکلهم السّحت لبئس ما کانوا یعملون(۵-۶۲)

خوردن اموال مردم بالباطل و سُحت(مثل رشوه و ربا و نظائر آن است) خارج شدن از حدود الهی و مشارکت در ظلم و تعدی به اموال و جان دیگران است که بد روشی در گذران زندگی بشر خواهد بود . خود خواهی و خود پسندی بشر بدون در نظر گرفتن عدالت الهی برای اینکه فقط کار خودش راه بیفتد و رشوه و ربا را که بلای بزرگ جامعه است عامل پیروزی و موفقیت در امر تجارت خود می داند ، و بدین وسیله ظلم به دیگری و محقق شدن حقّ النَّاس در نظرش چندان امر حائز اهمیتی نیست.

ایکاش در انجام فعالیتها ی اقتصادی عدالت الهی در نظر گرفته می شد و ضرری به مردم نمی رسید و این آیه فراموش نمی شد" واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا(۳-۱۰۳)" و مردم در کنار یکدیگر همچنانکه با دشمن خارجی مبارزه می کردند نفس خبیثه را در جهت تزکیه نفس مغلوب می ساختند. کسانی که کافر می شوند و حق را نادیده می گیرند آنانی هستند که نور را نمی بینند و در تاریکی و ظلمت روحی و جسمی خود فرو رفته اند . هدیه انسان را شاد می کند و در روایات و قرآن به هبه سفارش شده است ولی آنجا که بر انسان دیدگاه شیطانی مستولی شده باشد آن کار زیبا بصورت تاریکی و ظلمت با مقاصد شیطانی انسان را در آتش اعمال خود می سوزاند.

خداوند گاهی راههایی را برای انسان مؤمن می گشاید که بر اثر آن نعمتها بر او فراوان می شود و او باید مراقب باشد که همین نعمتها که کرامت الهی است کم کم او را وارد استدراج نکند که نعمت الهی تبدیل به نعمت شود . راه علاج اینست که ذکر خدا را فراموش نکند و زندگی سالم را فدای جهل و سوءاستفاده های شخصی نکند و بداند که آنچه بدست می آورد و یا از دست می دهد چون محلّ آزمایش الهی است باید با عدالت همراه باشد تا مفهوم جهاد اقتصادی ، در سایه نور الهی و توجّهات حضرت ولیعصر (عجل الله) بطور کامل پیاده گردد.

مهریه بعنوان پشتوانه اجتماعی برای زن

عدالت و جایگاه حقوق زن

اسلام با فعالیتهای اقتصادی زنان موافق است. الرجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن و سئلوا الله من فضله (۴-۳۲) این آیه مشروعیت فعالیتها ی اقتصادی زنان است. قرآن بر اهمیت یک امر مشترک بین زن و مرد تأکید دارد ولی حق آنها را جداگانه بیان می کند تا بصیرت را ره توشه آنان سازد. خداوند در مسائل ازدواج زن و مرد و ارث، یا فوت یکی از طرفین و طلاق، قوانین خاص مربوط به آنان را ذکر کرده است و در اجرای این قوانین از ظلم و ستم به یکدیگر نهی کرده است.

حتی در مورد طلاق می فرماید: یا ایها النبی اذا طلقتم النساء لعدتهن..... لا تخرجوهن من بیوتهن و لایخرجن..... (۶۵-۱) فاذا بلغن اجلهن فامسکوهن بمعروف او فارقوهن بمعروف..... (۶۵-۲) من خود نقش عدالت را در زندگی زن و مرد گم کرده ام. نمی دانم آن نظام حقوقی را که اسلام برای زن ترسیم کرده در کجای زندگی مرد وزن پیدا کنم و چرا این واژه بدرستی برای همه معنا نمی گردد تا مردم وظایف خود را بخوبی بشناسند! یک زن می تواند الگوی نمونه در خانواده و اجتماع باشد. تمام زندگی یک زن ترکیبی است از جهاد اقتصادی، سعی و کوشش او در سامان دهی زندگی و تربیت فرزندان و مدیریت او در اداره امور زندگی و تنظیم دخل و خرج با شیوه زندگی که از مهمترین فعالیتها ی او می باشد. نمی دانم لفظ تساوی حقوق بین زن و مرد کاربرد درست و قابل فهمی برای تمام اقشار جامعه هست؟ نگرش ما به این مسئله نیازمند بصیرت و هوش و آگاهی است، به دور بر خود نگاه کنیم همانطور که مردان را در جلوه های گوناگون، بظاهر می بینیم زنان نیز از این بلا دور نیستند. هر دو در یک مسیر حرکت میکنند. اگر در زیر یک سقف هستند گاهی باهم و در جهت بهبود زندگی تلاش می کنند و گاهی هم مانند دو دشمن خونین در مقابل هم جبهه می گیرند. اگر به رساله امام سجاد (ع) رجوع کنیم به ما می گوید: احترام زن و مرد به یکدیگر شیوه موفقیت در زندگی است، و در پناه این احترام وظایف هر یک را گوشزد میکند و جایگاه هر یک را مشخص می نماید. جهاد اقتصادی در زندگی زناشویی نقش بسزائی دارد، اگر این نقش بخوبی بازی شود شاید فرجام خوبی داشته باشد و نظام حقوقی زن شکل خود را در جامعه پیدا کند ولی متأسفانه زندگی زناشویی مهره های بازی خودش را دارد و اگر مهره ها به درستی سرجایش قرار نگیرد پس زن و مرد در کنار یکدیگر هستند ولی تفکراتشان از هم دور است و زمانیکه زن و مرد بصیرت یک زندگی ایده آل اخلاقی بدون سود جوئی را نداشته باشند با خروجشان به جامعه نمی توانند جهاد و عدالت را در جامعه پیدا کنند.

مگر نه اینکه جزء قوانین اسلامی، قوانین مربوط به خانواده است. حقوق مدنی هم سعی کوشش خود را کرده است ولی فراموش نمی کنیم که در بعضی جاها آن اصلی که باید برای حفظ نظام خانواده وجود داشته باشد گم شده است و یا شاید در عَرَضها مخفی شده باشد. اگر حفظ نظام خانواده اهمیت داشته باشد که دارد پس سعی کنیم از شیوه حق گرائی رسول(ص) و یا پیامبران دیگر استفاده کنیم که در موقع اجرا قوانین در مانده نشویم و زن را بشناسیم و زحمات او را قدر دانیم و جایگاه حقوقی او را براستی و بحق بشناسیم تا تبلیغات سوء اینترنت و ماهواره عقل ها را ندرزد و زن را به نمایش در نیاورد تا از طرف شوهر و چه از طرف زن ارزشها نادیده گرفته شود و فعالیت های فمینیسم که دشمن اسلام است به ثمر برسد. هدف فمینیسم محجوریت زن است. فمینیسم شعارش آزادی زن و برابری او با مرد است در جایی که پشتوانه غنی دینی و ملی وجود نداشته باشد. فمینیسم در کنار خانواده ها قرار گرفته تا زن را از مرد و فرزندان دور سازد. فمینیسم هدفش نابودی انسانیت و به خیانت کشیدن افراد خانواده به یکدیگر است. فمینیسم کور است و اسلام را نمی شناسد و قصدش مبارزه با اسلام و موازین صحیح اسلامی چون عدالت است. [مری لور (فمینیست آمریکائی) می گوید: تا به حال هیچ تفاوتی بین زن و مرد به اثبات نرسیده و تفاوت هایی که به جنسیت نسبت داده میشوند صرفاً سوء تعبیر های مردان از واقعیت است.]^۱

رهبر عزیز و مقتدر ایت الله خامنه ای (ظله تعالی): طبیعت زن و مرد هر کدام ویژگی ای دارند. در داخل خانواده کار و حیات مرد را نباید از زنان توقع کرد روحیات زن را هم در خانواده نباید کسی از مرد توقع کند. هر کدام یک خصوصیت طبیعی و روحی دارند که مصلحت بشر، مصلحت جامعه، مصلحت نظام اجتماعی زن و مرد این است که روحیات و خصوصیات مرد و زن در تعامل اینها در داخل خانواده دقیقاً رعایت بشود که اگر رعایت شد هم این خوشبخت است و هم آن، اما کسی به کسی حق ظلم کردن، زور گفتن و استخدام کردن ندارد.^۲

۱- ر. ک. فمینیست شکست افسانه آزادی زنان ج ۳ ص ۶۵

۲- بیانات در اجتماع زنان خوزستان ۷۵/۱۲/۲۰

در اینجا لازم و ضروری است که در جهت فهم این مقوله رجوع به تاریخ کنیم و در زمان جاهلیت حقوق زن و مرد و مفهوم جهاد و برپایی عدالت را تا حدودی بیان کنیم.

نمایش ارزش زن و عزت او و بیان اصالت خانوادگی او در داستان دختران شعیب و جهاد اقتصادی شعیب در تعیین مخارج یا حقوق حضرت موسی(ع) ، دآمداری دختران شعیب با رعایت عفاف و حجاب که خود را در جمع مردان وارد نکردند تا به گله، آب دهند. اصالت خانوادگی، حیا و عفت را به آنان آموخته بود. دآمداری دختران، صورت فعالیت زن را در کنار مرد، قبل از اسلام با رعایت فضای معنوی و شناخت جایگاه زن از مرد را نشان می دهد. و بعد جریان غیرت مرد در حرکت بسوی خانه حضرت شعیب(ع) ، مرد نامحرم در جلو حرکت کند و دختران با علاماتی راه را نشان دهند و اینها چیزهایی است که باران فیض الهی در طول زندگی، بشر را غنی می سازد، و نصرت الهی با مؤمنین است. پس مرد و زن در کنار یکدیگر با حفظ موازین دینی می توانند موفق باشند و تلاش و کوشش آنها می تواند مشکلات را در خانواده و اجتماع با شیوه نظام سازی دینی بر طرف نماید. مرحله بعد موضوع ازدواج موسی(ع) با دختران شعیب ، که ازدواج موقت در شناخت طرفین ازدواج و پای بندی به اصول اخلاقی مبتنی بر موازین دینی است که حقوق هر یک را معین میکند، و بعد تعیین مهریه بصورت کار و کوشش که تعیین کننده بهره های بعدی زندگی آنان باشد، و این نظام سازی دینی و این جهاد اقتصادی در طول تاریخ باید به تکامل برسد نه اینکه دچار نواقصی گردد و مسیر خود را گم کند که افکار شیطانی و باطل گرای داخلی و خارجی با ایجاد فرق ضاله به خود جرات نفوذ دهد.

و یا داستان حضرت یوسف(ع) که ضمن مبارزه با فسادهای اخلاقی و عقیدتی، زمینه ساز جهاد اقتصادی بود در بهره برداری از منابع الهی با مدیریت آگاهانه و به نیت حاکم ساختن مردم سالاری دینی و ایجاد محیطی سالم و دین پرور بدون از دست دادن ارزشهای دینی و اجتماعی و سیاسی حاکم بر جریان آن زمان، که این نیز تا قیامت بصورت پیامی سازنده و جاودان باقی خواهد ماند.

از این بالاتر اینکه تدبیرات و سیاست اولیای الهی در نظام حکومتی و مردم داری پر از حکمتها و اندرزها و راهبرد های کلان اقتصادی است. اهل بیت (ع) جامع العلوم ، جامع الحکمة ، جامع المکارم اخلاق، جامع المناجات، وجامع الثقل اکبر والثقل اصغر هستند. تدبیرات شایسته آنان در اداره امور حکومت و ایجاد مردم سلاری دینی موجب بهت و حیرت جوامع بشری بوده و هست. اهل بیت (ع) شیوه استفاده از نعمتهای الهی را به انسان نشان می دهند ، الگوی صحیح مصرف و جلوگیری از اسراف و تبذیر و فرمول جهاد اقتصادی را به نحو شایسته ای آموزش می دهند. اهل بیت(ع) وظایف انسان را در زندگی زناشویی برای زن و مرد مشخص می کنند. تعریف عدالت در تمام ابعاد زندگی در نظر اهل بیت (ع) میزان سنجش معیارهای اخلاقی بشر است تا جامعه دچار نقص در وظایف نشود. فعالیتها و مشاغل گوناگون ، مرد وزن را درکنار یکدیگر قرار می دهد مانند بافندگی و آرایشگری و وکالت و استادی و وزارت و غیره، ولی شایسته آن است که برای حفظ نظام حقوقی زن و مرد با رعایت موازین اسلامی چاره ای اندیشه شود!

حقوق زنان و نقش مهریه در زندگی آنان؛ باید شناخته و رعایت گردد. و طبق دستور قرآن آنچه که قبل از ازدواج مقرر گردیده باید بدون آزار و اذیت زن در اختیار او قرار گیرد و نباید کاری کرد که او مهر خودش را ببخشد (۴-۱۹) پس گرفتن مهریه بر مرد حرام است و دادنش هم بر زن حرام است. پس دادن مهریه در اینصورت اعانت بر گناه و بر ظلم است. حدود الهی باید رعایت شود ، تجاوز از حدود الهی گناه است .

شکل جهاد اقتصادی در این باب اینست که باب سود جویی بسته گردد و باب عدالت خواهی و عدالت مداری بدون افراط و تفریط باز گردد، چه در مرحله تعیین مهریه و چه در مرحله پرداخت آن به زن و اگر زن با اختیار خود مهریه را می بخشد این نیکی نباید محلّ سود جویی مرد واقع شود زیرا "لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق" کسی که مخلوق را تشکر نکند خالق را تشکر نکرده است. هر نفقه در راه خدا صدقه است . خرج کردن برای خانواده و همسر نباید با منت گزاردن خراب گردد. انفقوا فی سبیل الله و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکة و احسنوا انّ الله یحب المحسنین (۲-۱۹۵) با انفاق در راه خدا خود را با دستانتان به هلاکت نرسانید نیکویی خوب است و خداوند نیکو کاران را

دوست دارد. بر طبق دستور الهی در قرآن مرد نباید زن را درمناگه بگذارد ، این شیوه ظالمان است و آنقدر هم ریخت و پاش نکند که خود را به هلاکت برساند. مرد نیکو برای زن نیکو و زن نیکو برای مرد نیکو که خداوند هر دو را دوست دارد. برّ و نیکی آن نیست که شما راه را گم کنید و از در وارد نشوید و از پشت خانه وارد شوید برّ و نیکی آن است که کار عقلایی باشد. اگر زن را در فشار قرار دهید تا او مهرش را ببخشد بدین معنی که آنچه خدا حلال کرده حرام کنید کار غیر عقلایی است. تعیین مهریه کلان از طرف زن، به هلاکت رساندن و نابودی مرد است.

جهاد اقتصادی نقش مؤثری در ابعاد مختلف زندگی دارد. فریاد جهاد اقتصادی در بُعد ازدواج مبارزه با مهریه های کلان است. جهاد اقتصادی سفارش می کند که مهریه باید مطابق شأن خانوادگی باشد و ثروتمند نباید شأن خانوادگی را ثروت ظاهری بداند که شأن خانوادگی اصالت خانوادگی است.

تشکیل یک خانواده موفق و خوشبخت و دوام یک زندگی ایده آل بسته به انتظارات زن و مرد از یکدیگر است. اگر انتظارات سنجیده و تعقل مند باشد و انتظارات نا بجا در زندگی مرد و زن ریشه نندوانده باشد جای بسی امید برای بدست آوردن یک زندگی ایده آل است.

در آخر این مبحث ، مردان چند همسر باید عدالت را در بین همسران بر پا دارند و اگر قادر به بر پایی عدالت نیستند یک همسر اختیار کنند تا ستم روا ندارند. ... فان خفتم الا تعدلوا فواحدة.... (۴-۳)

ارث

آنچه که قرآن بعنوان مسئله ارث مطرح کرده اجرای قوانین اسلامی و حدود الهی بر پایه عدالت است. مسئله ارث موضوع خاص خود را دارد که باید در ثقلین مباحث آن دنبال گردد. آنچه حائز اهمیت است، اینکه کسی نمی تواند قانون ارث را نادیده بگیرد زیرا نادیده گرفتن آن نا فرمانی خدا و رسول است که عذاب خوار کننده دارد. تقسیم ارث مرحله دیگری از جهاد اقتصادی است زیرا نفس اماره ورثه را در جهت سوء استفاده های شخصی قرار می دهد و شیطان او را از طریق هدایت و عدالت دور می سازد.

قانون ارث فریضه واجب است... فریضة من الله ان الله كان علیماً حکیماً (۴-۱۰)

و یا کسانی که عدالت را رفتار نمی کنند و اموال یتیمان را به ناحق تصرف می کنند در حقیقت در شکمشان تنها آتش می خورند. ان الذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً انما یاکلون فی بطونهم ناراً (۴-۱۰) وقتی انسان متعهد شد که مسلمان باشد ، شیعه باشد و خط گرامی ولایت را شیوه خود سازد. پس باید تکلیف خود را بداند و از خط الهی خارج نشود و شیطان را به غل و زنجیر بکشد تا صاحب عقل کامل گردد و علم الیقین او را به عین الیقین برساند و انسانی که در این مرحله وارد می شود جاهل نیست که اهل ظلم و ستم باشد.

تجارت

ای مردم با ایمان آیا شما را راهنمایی کنم بر تجارتی که شما را از عذاب الهی دور سازد.

یا ایها الذین امنوا هل ادلکم علی تجارة تتجیکم من عذاب الیم (۶۱-۱۰) تجارتی پاک و خالص و سود آور برگرفته از ثقلین ، تجارتی نیکو با حساب و کتاب که حاصل جهاد نفس و جهاد با مال و جهاد با زیاده خواهی ها است.

اگر نفس امر کننده به بدی ، انسان را از حق و حقیقت عدول دهد و حیثیت و شرف انسانی را به خطر اندازد و مال آغشته به حرام را وارد زندگی انسان نماید ذلت و خواری انیس انسان در دنیا و آخرت خواهد شد؛ این میکروب انسان را فلج می کند ولی جهل آنقدر زیاد است که میکروب شناسی کار دانایان و عاقلان است. عاقلان و جهاد گران در مسیر جهاد مال و جان موفق می باشند پس آنان شکل دهنده عدالت در رشته های گوناگون هستند تا جهاد اقتصادی زمینه ساز اقتصادی سالم و تجارتی پاک و حلال باشد. آنچه در تجارت مهم است این که تجارت باید پاک و سالم باشد تا روح فرد و در حقیقت روح اجتماع را از غرق شدن در دریای ژرف گمراهی و ضلالت نجات دهد.

متاع دنیا قلیل است و آخرت برای پرهیزگاران بهتر است. این زندگی فانی و بی ارزش نباید با ارزشتر از آخرت باشد. قل متاع الدنیا قلیل و الاخرة خیر لمن اتقى و لا تظلمون فتیلاً (۴-۷۷)

قوانین تجارت چگونه است؟ قوانین معاملات؛ واردات و صادرات؛ سود و زیان و بهره حاصله بدور از ربا و یا ضرر ناشی از زیاده خواهی، محاسبات چگونه انجام می گیرد تا مملکت دچار سوء استفاده های شخصی و گروهی واقع نگردد؟

از مردم کسانی هستند که خدا را در حاشیه می پرستند به این معنا که اگر سودی در زندگی بردند دلشان به خدا مطمئن و آرام است ولی خدا نکند که به بلائی حاصل از بی خردی خود دچار شوند پس روی برتافته و خسرالدنیا و آخرت کردند.

و من الناس من يعبد الله على حرف فان اصابه خير اطمأن به و ان اصابته فتنة انقلب على وجه خسر الدنيا و الاخرة ذلك هو الخسران المبين (۲۲-۱۱)

آنان که قرآن را حق می دانند و با قرآن انس دارند و قیام بر نماز و ایتاء زکات را آشکارا و پنهانی از خود دور نمی سازند پس در تجارتی مستمر و با دوام وارد می شوند که هرگز زوال نمی پذیرد.

انّ الدّین يتلون کتاب الله و اقاموا الصلوة و انفقوا ممّا رزقناهم سراً و علانية یرجون تجارة لن تبور

(۳۰-۳۵)

تاجر موفق در مرحله واردات و صادرات و مراحل دیگر تجاری زیرک و با هوش است و سد محکمی است در برابر نفوذ دشمن انسی و جنی، پس هویت دینی و هویت ملی و مقاومت و توان و دستیابی به ارزشهای تجاری را از یاد نمی برد و معاملات خود را مطابق شناخت ارزشها به انجام می رساند تا حلال خدا حرام و حرام خدا حلال نشود و سود حاصله دو برابر و مضاعف گردد.

یادگرفتن احکام الهی بر هر شخص مسلمان واجب است بویژه در شرایط خرید و فروش و معاملاتی که بین مردم انجام می گیرد. اگر خریدار یا فروشنده از کیفیت و چگونگی معاملات شرعی خبر داشته باشد دچار غش و اجحاف و خیانت و کم فروشی در معامله نخواهد شد که در غیر اینصورت متخلف مخالفت علنی خود را با احکام الهی اعلام کرده و علاوه بر آن برکت روزی از زندگی شخص متخلف خواهد رفت.

دامنهٔ جهاد اقتصادی وسیع است زیرا در مقابل تمام سود جوئی ها می ایستد و خودکامگی ها را از بین می برد. حاکمیت قوانین جهاد اقتصادی بر حاکم شرع است و مردم باید از او تبعیت کنند تا اختلاسی بوجود نیاید. زمانیکه جهاد اقتصادی با بصیرت مردم و همت مضاعف مردم بر مسند قدرت باشد این آغاز مبارزه با نفوذ بیگانگان اقتصادی و فکری و سیاسی در جامعه است و باید از غفلتهای مردم که زمینه فضولی بیگانگان داخلی و خارجی را در کشور اسلامی فراهم می آورد جلوگیری کرد. علماء شیعه می فرمایند: اعانت ظلمه و کسانی که با دین و احکام دین، ضدیت و معاندت دارند تجاوز به حریم دین و حرام است. در ادارهٔ امور کشور باید جلوی منکرات یا به تعبیر دیگر بدعتها گرفته شود تا حق اظهار و باطل نابود گردد.

مدیریت

مدیریت دو نوع کنترل دارد کنترل سیستم اداری و کنترل وجدانی ، در کنترل سیستم اداری مدیر باید تکلیف خود را در حیطة کاری بشناسد و هدفش سالم سازی در اقتصاد باشد. در حیطة وجدانی هیجان زده و با شتاب عمل نکند و با برنامه ریزی وارد صحنه شود و مطابق دین اجرای عدل و قسط را در برنامه های خود داشته باشد و از ظلم و استبداد و چپاول جلوگیری کند. آنگاه که سیستم اداری و کنترل وجدانی سرلوحهٔ کار قرار گیرد امر جهاد محقق می گردد . وجاهدوا فی الله حق جهاده ..(۷۸-۲۲) در راه خدا چنانکه شایسته اوست جهاد کنید .

جهادی که در پرتو خود نیروی مقاومت و ایستادگی را به نمایش گذارد. جهاد نیروئی است که هدفش سرکوبی دشمنان دین است . جهاد انحراف نمی پذیرد و شمشیرش تیز و برّان است. جهاد مالی و اقتصادی توازن ثروت در بین اقشار جامعه است. و اقیموا الوزن بالقسط ولا تخسروا المیزان.....

(۹-۵۵) در معاملات خود رعایت اوزان را داشته باشید و کم مگذارید. أنّ الارض یرثها عبادی الصّالحون (۱۰۵-۲۱) وارثان زمین بندگان شایسته هستند.

مدیر مرد یا زن به نسبت پذیرش شغلی، مسئول حیطة کاری خود است. او باید نظارت کامل بر اوضاع محلّ خود داشته باشد. از اسراف و تبذیر جلوگیری کند و در مقابل مصرف انرژی باید تلاش و همت مضاعف خود را نقطه مثبت در عملکرد خود قرار دهد.

مدیر اگر از مردم در ازای کاری هدیه ای را قبول کند دزدی کرده است و اگر رشوه بگیرد مشرک است. ۱.

امروزه بصیرت یک امر انکار ناپذیر است. بصیرت ناتوانی فکری و سیاسی و اقتصادی را از انسان دور می سازد. بصیرت نوری است در وجدان با عملکرد صحیح که حق را از باطل تمیز می دهد. تلاش و کوشش انسان با بصیرت هدف را ارزشمند می کند و دشمنان را از صحنه تهاجم خارج می کند. با کسب بصیرت حاصل از قرآن و عترت و تعقل در احکام الهی موفقیت در ابعاد گوناگون میسر می گردد و معنای جهاد اقتصادی روشن و بدیهی و ضروری می گردد. باید عاشق باشی تا راه حق را درک کنی و با ادراک صحیح راه عاشقی را طی کنی تا سازنده باشی نه خراب کننده، تا طرح نو در اندازی و عزّت و افتخار را برای بشریت به ارمغان آوری نه ذلّت و خواری را که ناشی از انحراف عقیده در عملکرد نا صحیح است. انسان صالح، مدبّر، انسان با بصیرت، مدیریت صحیح را بدور از کج رویها و اغراض نفسانی به نفع مردم در راه خدا انجام می دهد. تقسیم بندی عادلانه با رعایت مقررات، توزیع عادلانه، صرفه جوئی کلان اقتصادی و ارزی و بهره برداری از آن با رعایت ارزشهای دینی، دقّت نظر در عرضه و تقاضا، ایجاد رابطه بین اقتصاد و قناعت، پرهیز و قناعت، از وظایف مدیران است. وظایف مدیران بسیار سنگین و دقیق است. جدا سازی اقتصاد سالم از اقتصاد ناسالم از اهداف و مسئولیتهای بزرگ آنان است البته با استخدام نیرو و کادر با ایمان و با قدرت و توانا که میثاق الهی را نقص نکنند.

جاهدوا فی الله حق جهاده.... (۲۲-۷۸) ای انسان تو انتخاب شده ای برای جهاد در راه خدا پس حق جهاد الهی را بجا آور. جهاد با خودت برای یافتن حق طلبی و جهاد با مال و سرمایه ات تا درست مصرف کنی و خسران دنیا و آخرت را از خودت دور سازی.

فلا تطع الكافرين وجاهدهم به جهاداً كبيراً (۲۵-۵۲) راه و رسم کافران را ملاک قرار نده که به پیشیزی خودت را فروخته ای و وارد گرداب تهاجم فرهنگی و یا جنگ نرم آنان می شوی زیرا غارتگران و استثمارگران با طرح برنامه ها و روشهای دیگر برای نابودی شما در کمین نشسته اند . خودت باش و عزت دین اسلام را حفظ کن تا عزت خودت حفظ شود که ارزش آدمی به قدر تعقل و همت او در باورهای صحیح و عادلانه است.

قرآن درس علم و زندگی و حیات انسانی است که جهاد اقتصادی در این وسعت بیان الهی ، تعریف های بسیار در محکمت و متشابهات قرآنی دارد و من با قلم قاصر خود قلمی که سالیان سال در پژوهش و تحقیق و ترجمه بیست ساله خود سعی کرده حق را از باطل تشخیص دهد در این وسعت کلام محل اعراب ندارد.

والسلام علی من اتبع الهدی

منابع:

تفسیر المیزان

تفسیر نمونه

قاموس قرآن (فرهنگ نامه)